

نشریه علمی پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال دهم، شماره سی و هفتم، بهار ۱۳۹۷، ص ۲۰۰-۱۷۵

کاربرد داستان تمثیلی در تعلیم آموزه‌های سیاسی با تأکید بر متون کهن ادبی

دکتر سیده معصومه حسینی*

چکیده

داستان تمثیلی از گذشته‌های دور به‌عنوان ابزاری در جهت آموزش فن کشورداری و سیاست‌مداری به پادشاهان مورد استفاده قرار گرفته است. می‌توان گفت بخش مهمی از ادبیات تعلیمی ایران و جهان به‌دلیل تأثیرگذاری و جذابیت بیشتر، در قالب تمثیل بیان شده است. داستان تمثیلی و به‌ویژه افسانه حیوانات (فابل) از جمله قالب‌های ادبی است که به‌دلیل دولایگی معنایی، فضای جالبی را برای ارائه مضامین سیاسی اجتماعی فراهم آورده است. در سراسر جهان، منتقدان اجتماعی در پس صورتک داستان‌سرایی و ایجاد سرگرمی، شدیدترین و عمیق‌ترین انتقادات و نارضایتی‌های خود از وضع سیاست و فرهنگ را در معرض دریافت عمومی قرار داده‌اند. در این حالت، نویسنده مطالبی را که نمی‌توان به‌طور مستقیم در تأدیب و تعلیم صاحبان قدرت سیاسی بر زبان آورد، در

* مدرس دانشگاه فردوسی مشهد و پژوهشگر ادبیات سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران

Hosseini.masoome@yahoo.com

پوششی مفرح و سرگرم‌کننده از داستان و طنز پنهان می‌کند؛ به طوری که محافظه‌کاری و پنهان‌نگاری از پدیده‌های رایج در نوشته‌های سیاسی بازمانده از عصر قدیم است. این مقاله در صدد بررسی آموزه‌های سیاسی در داستان‌های تمثیلی کهن است و نشان می‌دهد که چگونه در طول تاریخ از قالب داستان در عرصه آموزش سیاسی استفاده شده و این آموزش‌ها شامل چه مسائل و مواردی است. به عبارت دیگر در این پژوهش، ضمن ارائه شواهدی از منابع موجود نشان می‌دهیم که داستان تمثیلی ابزاری در جهت ارتقای دانش سیاسی دولتمردان در اعصار کهن بوده است و برخلاف آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد، این داستان‌ها با هدفی فراتر از سرگرمی و لذت بردن صرف پادشاهان نگاشته شده‌اند. مروری بر تاریخچه استفاده از تمثیل در آموزش سیاسی، تعالیم سیاسی رایج در داستان‌های تمثیلی کهن و دلایل استفاده از تمثیل برای آموزش مضامین سیاسی از جمله موضوعات مورد بررسی در این مقاله است.

واژه‌های کلیدی

آموزه‌های سیاسی، داستان تمثیلی، ادبیات تعلیمی، پنهان‌نگاری.

۱. مقدمه

این واقعیت که قدرت سیاسی در تاریخ بشری به‌ندرت در اختیار اهالی فضیلت و حکمت قرار گرفته، در بسیاری موارد هنرمندان و عالمان را به نگارش آثار در جهت ارتقای سطح فکر و دانش عاملان سیاسی ترغیب کرده، اما روشن است که ارائه مستقیم و صریح آموزه‌های سیاسی برای حکما و نویسندگان در طول تاریخ، همواره با دشواری بسیاری همراه بوده است.

می‌توان گفت بیان نقد و اعتراض و یا آموزش سیاسی، پیچیدگی و دشواری خاصی

دارد که ناشی از سرشت پدیده‌های مرتبط با قدرت سیاسی است. ترس، محافظه‌کاری و احتیاط در مقابل سیطره استبداد حاکم، نویسندگان را به سمت استفاده از قالب‌های غیرمستقیم بیان سوق می‌دهد. در این میان، تمثیل به دلیل جذابیت فوق‌العاده و چندلایگی معنایی، امکان ویژه‌ای در اختیار هنرمندان و حکیمانی قرار داده است که با مقاصد سیاسی دست‌به‌قلم شده‌اند. آموزش و ارتقای سطح فرهنگ سیاسی و انتقاد از وضعیت موجود در میان دولتمردان و به‌ویژه پادشاه، مهم‌ترین بخش این مقاصد را تشکیل می‌دهد. نکته مهم در فهم درست تمثیل سیاسی، توجه به مقاصدی است که نویسنده آن را در ورای حوادث و فرازونشیب داستان پنهان می‌کند. این پژوهش در صدد بازنمایی نقش داستان تمثیلی در انتقال و آموزش مفاهیم سیاسی به مردم و سیاستمداران عصر قدیم است و این فرض را دنبال می‌کند که این داستان‌ها با هدفی فراتر از سرگرمی و لذت بردن صرف پادشاهان نگاشته شده‌اند. مقصود از واژه «کهن» در عنوان آن، قدمتی حداقل بیش از هزار سال خورشیدی است.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص جنبه‌های سیاسی کتاب‌هایی چون *کلیله و دمنه* و *مرزبان‌نامه* تاکنون مقالات مختلفی به چاپ رسیده است؛ مرتبط‌ترین آن‌ها مقاله «تعلیم الگوی حکومت در کلیله و دمنه و گلستان سعدی» نوشته سمیه سنگکی (۱۳۹۱) است که مضامین سیاسی مطرح در *گلستان سعدی* و ترجمه نصرالله منشی از *کلیله و دمنه* را مورد مقایسه و مطالعه تطبیقی قرار می‌دهد. برای مثال، میزان ارائه بحث «عدالت» را در این دو کتاب با ارائه نمودار مقایسه می‌کند. همچنین مقاله «بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه» نوشته جواد دهقانیان (۱۳۹۰) پژوهشی است که نشان می‌دهد چگونه نظام طبقاتی و فرهنگ سیاسی در جوامع شرقی ساختار و درون‌مایه داستان‌های کلیله و دمنه را شکل

می‌دهد. دربارهٔ سیاست و کلیله و دمنه، همچنین می‌توان به مقالهٔ «فرهنگ سیاسی به روایت کلیله و دمنه» نوشتهٔ محسن حمیدی (۱۳۸۶) اشاره کرد که سعی دارد نمودهایی از فرهنگ سیاسی مشرق‌زمین را از خلال داستان‌های کلیله و دمنه به نمایش بگذارد. سیاست در *مرزبان‌نامه* نوشتهٔ احمد عزتی (۱۳۷۸)، «اندیشهٔ سیاسی در کتاب کلیله و دمنه» نوشتهٔ عنایت‌الله شریف‌پور و محتشم محمدی (۱۳۸۷) از دیگر آثار قابل ذکر در این زمینه است. با این حال در خصوص بررسی آموزه‌های تعلیمی رایج در داستان‌های تمثیلی کهن تاکنون اثری به چاپ نرسیده است.

۳. معنای تمثیل

واژهٔ تمثیل در ادبیات فارسی با وجود کثرت کاربرد و سابقهٔ طولانی، واژه‌ای با دلالت‌های معنایی گسترده و تا حدی مبهم است. در نوشته‌های مختلف فارسی و عربی تمثیل را در معانی تشبیه مرکب، استعارهٔ گسترده، سمبل، حکایت، مثل، قصه‌های رمزی و قصه‌های حیوانات به کار برده‌اند. تمثیل علاوه بر نوشته‌های ادبی در حوزهٔ منطق و فقه نیز به کار می‌رود که نوعی از استدلال است و به آن قیاس نیز می‌گویند. «در این نوع استدلال، حکمی را که در مورد یک جزء ثابت است، در مورد جزء دیگر نیز به سبب وجود شباهت و معنی مشترک بین دو جزء اثبات می‌کنند» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۴۸). وجه اشتراک همهٔ معانی ارائه‌شده دربارهٔ تمثیل، وجود نوعی شباهت میان دو لایهٔ ظاهری و معنایی اثر است. گونه‌های مختلف تمثیل را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: تمثیل‌هایی که شکل داستانی دارند و تمثیل‌هایی که چنین نیستند. این دو گروه تمثیل‌های روایی و توصیفی نامیده می‌شوند. «در بلاغت اسلامی بیشتر تمثیل‌ها از نوع توصیفی‌اند، اما در بلاغت غرب صورت تمثیل از نوع روایی است» (شامیان، ۱۳۸۴: ۷۶).

از میان وجوه مختلفی که برای تمثیل قائل شده‌اند، در این پژوهش به‌طور مشخص،

به داستان‌های تمثیلی خواهیم پرداخت. همچنین قهرمانان داستان تمثیلی ممکن است افراد انسانی (تمثیل غیر حیوانی) یا جانوران (تمثیل حیوانی) باشند که در این پژوهش، تمثیل‌های حیوانی را مبنای کار قرار داده‌ایم.

داستان تمثیلی و به‌ویژه افسانه حیوانات (فابل) از جمله قالب‌های ادبی است که به دلیل دولاغی معنایی، از دیرباز فضای جالبی را برای ارائه مضامین سیاسی اجتماعی فراهم آورده است. در سراسر جهان، منتقدان اجتماعی در پس صورتک داستان‌سرایی و ایجاد سرگرمی، شدیدترین و عمیق‌ترین انتقادات و نارضایتی‌های خود از وضع سیاست و فرهنگ را در معرض دریافت عمومی قرار داده‌اند. در این حالت، نویسنده مطالبی را که نمی‌توان به‌طور مستقیم در تأدیب و تعلیم صاحبان قدرت سیاسی بر زبان آورد، در پوششی مفرح و سرگرم‌کننده از داستان و طنز پنهان می‌کند.

۴. تاریخچه استفاده از تمثیل در تعلیم آموزه‌های سیاسی

تمثیل‌های سیاسی از جمله تأثیرگذارترین تمثیل‌ها در طول تاریخ محسوب می‌شوند. این ویژگی باعث ماندگاری شگفت‌آور تمثیل‌های سیاسی شده است؛ چنان‌که سابقه تمثیل‌های سیاسی به بیش از پانصد سال قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. از نمونه‌های آن تمثیلی است که «منیوس اگریپا» کنسول و سناتور روم در سال ۴۹۳ قبل از میلاد برای شورشیان شهر رم ایراد کرد و به‌وسیله آن شورش را فرونشاند. در این ماجرا مردم شهر در اثر گرسنگی و فقر از اشراف روم به خشم آمده و در کوه مقدس اجتماع می‌کنند. منیوس از طرف سنا مأموریت می‌یابد که این شورش را با صحبت آرام سازد. او در نطقی هوشمندانه تمثیل اعتصاب اعضای بدن بر ضد معده را برای مردم شرح می‌دهد و در نتیجه حسن تأثیر این تمثیل، مردم متفرق شده و شورش از بین می‌رود.

خلاصه این تمثیل که بعدها در آثار مختلف به نظم و نثر درآمد، آن است که: «روزی اعضای بدن علیه معده شورش کردند و گفتند: این مخالف عدالت است که

همه ما کار کنیم و معده متمتع شود. چون مدتی از اعتصاب آن‌ها گذشت، معده نیز از کار بازایستاد و اعضای بدن ناتوان شدند. سرانجام جسم انسانی به هلاکت کشید» (حکمت، ۱۳۶۱: ۱۰۱).

اهمیت این تمثیل، در اقناع مردم نسبت به متفاوت بودن وظایف اجتماعی شهروندان و بازنمایی اهمیت تلاش اجتماع در رسیدن به منافع عمومی است. در واقع سناتور رومی با این داستان کوتاه، تقسیم کار اجتماعی را با زبانی متفاوت به عامه مردم تعلیم می‌دهد. از جمله مهم‌ترین کتاب‌های سیاسی دوره باستان که در قالب داستان تمثیلی به نگارش درآمده، پنچانتتراست. این کتاب هندی از زیباترین و مهم‌ترین داستان‌های سیاسی تمثیلی جهان به شمار می‌رود و از زمان‌های دور حائز اهمیت بسیار بوده است. قدیمی‌ترین روایت موجود از این کتاب به دویست سال پیش از میلاد مسیح مربوط می‌شود (ایندوشیکهر، ۱۳۸۵: ۶)؛ هرچند اصل آن را به دوره‌های پیش از آن مربوط می‌دانند. پنچانتترا با هدف آموزش سیاسی پادشاهان نگاشته شده و حاوی اصول مهمی در فن کشورداری است. پنچانتترا همچنین یکی از منابع اصلی شکل‌گیری کلیله و دمنه به دست ایرانیان است.

در آغاز داستان‌های پنچانتترا، داستانی تمثیلی به صورت مقدمه وجود دارد که در ابتدای کلیله و دمنه موجود نیست و کاملاً تغییر یافته است. در این داستان، سخن از پادشاه خردمندی به نام «آمرشکتی» یعنی نیروی جاودانی است که سه پسر نادان به نام‌های «وسوشکتی» به معنای نیروی ثروت، «اگرشکتی» یعنی نیروی وحشت و «آنیک شکتی» به معنای نیروی بسیار دارد. پادشاه که از بلاهت و بیزاری آنان از دانش و فرهنگ، سخت نگران و دل‌آزرده است، مشاوران خود را برای حل این مشکل فرامی‌خواند. آن‌ها از حل این مشکل اظهار ناتوانی می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند پادشاه حل مشکل را به برهمنی دانا به نام ویشنوشرما بسپارد. ویشنوشرما به دستور پادشاه احضار می‌شود و قول می‌دهد در

عرض شش ماه، رموز سروری و خوی پادشاهی را به شاهزادگان بیاموزد. پادشاه فرزندان را با احترام به دست ویشنوشرما می‌سپارد و او تعلیم آن‌ها را به‌وسیله پنج حکایت یاد شده آغاز می‌کند. بر این اساس، داستان‌های پنج‌تتیرا آشکارا با هدف آموزش شاهزادگان هندی به نگارش درآمده است.

دیگر منبع سانسکریت کللیه و دمنه، *مهابهارت* است. منظومه *مهابهارت* یکی از آثار بسیار بزرگ و قطور هند باستان، بلکه یکی از آثار ادبی و حماسی بسیار بزرگ دنیاست. این منظومه در حدود یکصد هزار بیت است. *مهابهارت* به‌خصوص در دفتر دوازدهم (شانت پرب) حاوی مطالب مهمی در خصوص فن‌کشورداری، فره‌ایزدی، قواعد سلطنت و شیوه برخورد با رعیت و منبعی مهم در شناخت نگرش سیاسی دوره باستان است.

در *مهابهارت* (فن دوازدهم شانت پرب) از پادشاهی نیکوکار به نام «جدهشتر» سخن رفته است که در اساطیر هندو، مردی باتدبیر، مهربان، بردبار و عادل است. او پس از رسیدن به پادشاهی با اظهار ندامت از گذشته پرمشقت و پرماجرایی که داشته، تصمیم می‌گیرد راه‌حل مسائل پیچیده و بغرنج اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی را از حکیمی دانشمند به نام «بهکیم پتامه» فراگیرد و گذشته را جبران کند. بهکیم پتامه مردی بسیار دانا و وارسته و در عین حال سرداری شجاع است، اما بر اثر جراحی که در جنگ برداشته، در بستر مرگ افتاده و واپسین روزهای حیات خود را می‌گذراند. راجه جدهشتر نزد او می‌رود و از او درخواست می‌کند تا قواعد سلطنت و آداب جهان‌داری را به او بیاموزد. بهکیم پتامه در ابتدا از پذیرش این درخواست امتناع می‌کند و می‌خواهد که روزهای آخر عمر را به یاد حق مشغول باشد، اما سرانجام در مقابل اصرار جدهشتر و همراهانش تسلیم می‌شود و به سؤالات او پاسخ می‌دهد. بهکیم پتامه در ضمن جواب‌های مفصل، به نقل داستان‌های مناسب می‌پردازد و این گفتگوی طولانی، متن کتاب دوازدهم *مهابهارت* را که قریب به ثلث تمام منظومه است، در بر می‌گیرد (نک: قزوینی، ۱۳۸۰: ج ۳).

مهابهارت و پنچاتنتر/ قدیمی ترین آثار ادبیات تعلیمی جهان به شمار می روند که هر دو با اهدافی سیاسی به نگارش درآمده اند.

از دیگر آثار داستانی بسیار قدیمی که در آن می توان تمثیل هایی با مقاصد سیاسی سراغ گرفت، افسانه های ازوپ است. ازوپ در قرن ششم قبل از میلاد می زیست و حکایت های بسیاری از او باقی است که بعدها توسط اشخاص مختلف بازنویسی شده یا به نظم درآمده است. از جمله تمثیل های جالب او در تحلیل وقایع سیاسی زمانه اش، تمثیلی است که ظاهراً در مجمع عمومی ساسموس برای جلوگیری از شورش مردم ایراد کرده است:

روباهی که از رودخانه ای می گذشت به لجه ژرفی افتاد و همه کوشش های او برای بیرون آمدن بی نتیجه ماند. گذشته از رنج های دیگری که می بایست تحمل می کرد، از دست گروهی از کنه ها در زحمت بود که بر پوست او چسبیده بودند. خارپشتی که به مقصدی از آنجا می گذشت، دلش بر وی بسوخت و پرسید که اگر میل دارد او کنه ها را یک یک برچیند. روباه گفت: «نه خواهش می کنم چنین نکنید.» خارپشت پرسید: «چرا؟» - زیرا این ها قبلاً حسابی غذا خورده اند و اکنون زیاد خون نمی کنند. ولی اگر تو آن ها را از پوست من دور کنی، گروه دیگری می آیند که همه گرسنه اند و هر قطره ای که از خون من مانده، همه را پاک می کند.

ای مردان ساموس، داستان شما نیز چنین است. این مرد برای آنکه توانگر [شده] است، چندان زیانی به شما نمی رساند ولی اگر او را بکشید، گروه دیگری می آیند که همه گرسنه اند و آن ها دزدی را ادامه می دهند تا به جایی که خزانه شما را خالی سازند (ازوپ، ۱۳۷۳: ۴۵).

گفته اند آریستفانس، گزنفون، سقراط، افلاطون و ارسطو به او استناد می کرده اند و نوشته اند که سقراط در ایام زندان، بسیاری از امثال ازوپ را به نظم درآورده است که

امروزه اثری از آن‌ها در دست نیست. به هر حال امروزه نزدیک به دویست مثل از امثال ازوپ چاپ شده است. هرچند معلوم نیست که واقعاً چه مقدار از آن‌ها از آن خود اوست و کدام افزوده‌های دیگران است. در اینجا به دو نمونه از تمثیل‌های ازوپ که در آن رابطه یک‌سویه قدرت و حق به تصویر درآمده، اشاره می‌شود (همان: ۵۲ و ۶۱):

• داستان سهم شیر: این داستان درباره شیر و خری وحشی است که با هم به شکار می‌پردازند. شیر قدرت خود را به کار می‌برد و خر تیزیابی‌اش را تا اینکه زمانی موفق به گرفتن شکاری می‌شوند. شیر آن را به سه بخش تقسیم می‌کند: بخش اول را به‌عنوان اینکه شاه است و در بالاترین رده قرار دارد، برمی‌دارد. بخش دوم را به دلیل آنکه شریک برابر خر است، تصاحب می‌کند و در خصوص بخش سوم می‌گوید: «بخش سوم نیز تو را به خطری می‌اندازد مگر اینکه خود را از آن محروم سازی.»

• داستان گرگ و بره: تشنگی، گرگ و بره‌ای را به کنار جویباری می‌کشاند. گرگ در سمت بالای آب و بره پایین‌تر از اوست. با این حال، گرگ او را متهم به گل‌آلود کردن آبشخورش می‌کند. بره استدلال می‌کند که در پایین آب است و نمی‌توانسته آب او را گل‌آلود کند. دیگر بار، گرگ او را متهم می‌کند که سال گذشته نیز مانع آب خوردن پدرش شده است. بره می‌گوید که سال گذشته هنوز به دنیا نیامده بود. گرگ جواب می‌دهد: تو در یافتن جواب‌ها ماهری ولی به هر حال من تو را می‌خورم!

جالب آنکه این داستان با گفتگوهای متفاوت در کتاب *روضه العقول* که تحریری از *مرزبان‌نامه* در سال ۵۹۸ق است، نیز موجود است (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۶۲).

از دیگر کتاب‌های داستانی کهن که در آن از قالب تمثیل استفاده شده بود، می‌توان به *مرزبان‌نامه* طبری اشاره کرد که *مرزبان‌نامه* فعلی ترجمه‌ای از آن است. اصل *مرزبان‌نامه* آنچنان که سعدالدین وراوینی در ابتدای ترجمه خود آورده است، کتابی بوده «به زبان طبرستان و پارسی قدیم باستان» (وراوینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۰). متأسفانه از *مرزبان‌نامه* اصلی

در حال حاضر اثری موجود نیست، با این حال به دو نوشته از این کتاب دسترسی داریم: *روضه العقول* اثر محمد بن غازی ملطیوی و *مرزبان‌نامه* ترجمه سعدالدین وراوینی.

با مطالعه دقیق متن هر دو ترجمه موجود از *مرزبان‌نامه*، می‌توان دریافت که یکی از اصلی‌ترین اهداف نگارش *مرزبان‌نامه* طبری، نمایش لزوم تحمل آزادی بیان از سوی پادشاهان و نتایج مهم‌پندپذیری آنان در امر کشورداری بوده است. البته این آزادی بیشتر از آنکه آزادی بیان برای رعیت باشد، آزادی بیان برای رجال سیاسی است. در واقع آزادی بیان نه به معنای امروزی، بلکه در همان معنایی است که بشر قریب به هزار سال پیش دریافت می‌کرده است. این مهم در هر دو کتاب *روضه العقول* و *مرزبان‌نامه* وراوینی مشترک است و اهمیت آن، نزد مؤلف اصلی، یعنی مرزبان بن رستم را آشکار می‌سازد. رجال سیاسی در این کتاب، گاه بسیار آزادانه زبان به انتقاد می‌گشایند و گستره این انتقاد همه مسائل مهم حکومتی را در بر می‌گیرد. پادشاه در مقابل این آزادی بیان رنجیده‌خاطر نیست. در هیچ کجای داستان‌های این دو کتاب پادشاه نصیحت‌کننده را سرزنش نمی‌کند و حتی خود مشوق مطرح‌شدن نقد و نقایص دستگاه سیاسی است. اوج این انتقادپذیری را در داستان «شیر پرهیزگار و خرس جاهل» می‌بینیم. آنجا که از زبان شیر که پادشاه جنگل است، آمده: «اکنون باید که حق نعمت من بشناسید و ابتغای صلاح من از مواجب دارید و هرآنچه در من است از معایب و مثالب، باز نمایید تا ذات خود را از آن مطهر گردانم و عرض عزیز را از آن تلوٲ پاک کنم و هرکه از من مستعشر است و مرا نگوید، در آن بزه با من شریک باشد» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۴۵۲).

این مطلب در *مرزبان‌نامه* وراوینی این‌طور آمده است: «امروز از شما می‌خواهم که اگر عیبی بسیار و اندک در نهاد من می‌بینید، یا به سهو و عمد از من فعلی می‌آید که عقلاً او عرفاً او شرعاً او رسماً پسندیده نیست، آن را بر من عرضه دارید و تحفه‌ای بزرگ نزدیک من شناسید که بهترین موجودات و پاک‌ترین گوهر کائنات چنین فرمود که «من عشنا

فلیس منّا، یعنی هر که در ذات مبارک ما نشانی از عیب یافت و با ما نگفت و ننمود، از رقم اختصاص ما برون است» (وراوینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۴۵۲).

محمد غازی پا را فراتر نهاده، معتقد است نصیحت به پادشاه باید شکلی نهادینه یابد و افرادی در حکومت باشند که اساساً شغل آن‌ها، اطلاع از قبایح و فضایح پادشاه و تذکر دادن آن باشد: «پس باید که از مقربان دولت و ملازمان خدمت تو را مردم باشند که بر فضایح و قبایح تو اطلاع یابند و آن را در سر بر تو عرض دهند و بر تو واجب است که ایشان را به صنوف برّ و انواع احسان مخصوص داری و نصایح ایشان را عزّ قبول کرامت کنی و اعلام ایشان از غایت رأفت و وفور شفقت دانی» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۰۶).

جالب آنکه در داستان «عقاب شکارگر و آزادچهر»، پرنده دانایی که پادشاه و نقایص حکمرانی او را مورد انتقاد قرار داده، نه تنها مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد که به مقام وزارت برگزیده می‌شود. به لحن انتقاد این شخصیت داستانی در *مرزبان‌نامه* وراوینی توجه کنید: «زینهار ای پادشاه، اینجا که نشسته‌ای، گوش به خود باز دار که اگرچه بر قلعه‌ای متمکنی که ربض او با قلّه گردون مقابل است، قاروره دعوتی که سحرگاه اندازند، باز ندارد. مثل و اتقوا من مجانبیق الضعفا، تنذیر و تحذیری است که ساکنان عالی معالی را می‌کنند، اگر وقتی شهباز سلطنت را زنگل نشاط بجنبند و شست چنگل در قبضه شکارانداز سخت کند... چاوشان موکب عزیمت را وصیت ادخلوا مساکنکم فراموش نباشد تا بیچگان خرد پرندگان که در بیضه ملک تو هنوز نپروریده‌اند و زیر جنحه حمایت تو نبالیده‌اند، از مواطی لشکر و مخاطی حشر پای مال قهر نگردند...» (وراوینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۵۳۸).

یا در این فقره از *روضه العقول* که در باب «شاه شیران با شاه پیلان» از زبان وزیر زیرک پیل (که مخالف جنگ با شاه شیران است، اما پادشاه بر اساس نظر او عمل نکرده) آمده است: «اگرچه نصایح بنده موافق رای رزین و مطابق صغو خاطر مبارک نمی‌آید، مرا از اعلام مصلحت و تنبیه از خواب غفلت چاره نیست که حق نعمت

مستحکم اخبار می‌باشد و مکافات ایادی محرّض عرض احوال عاقبت... در مشورت اول، به عدم التفات، بنده را متألّم گردانیدی و اهمال مصالح و ترک نظام جایز داشتی، در این وهلت اندر این مضار بر بذاذت حال اصرار مکن و از سر تهور حکم مفرمای» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۴۳۲-۴۳۳).

۵. دلایل استفاده از تمثیل برای آموزش مطالب سیاسی

چنان‌که گفته شد، داستان‌های تمثیلی در طول تاریخ، به‌عنوان ابزاری در جهت انتقال آموزش‌های سیاسی به پادشاهان و انتقاد از وضع موجود به کار گرفته شده‌اند. دلیل روی آوردن فعالان سیاسی به این قالب ادبی به موارد متعددی مربوط می‌شود که عبارت‌اند از:

۱-۵. از بین بردن تلخی انتقاد و ملال‌آور بودن آموزش‌های مستقیم

در شرایط استبداد، یکی از کارکردهای مهم داستان‌های تمثیلی، ایجاد فضایی برای بیان نقایص وضع موجود و ترسیم شرایط ایدئال بود. افراد معمولاً به‌خاطر ترس از روبه‌رو شدن با واقعیات، از شنیدن انتقاد و پند گریزان هستند و آن را هجمه‌ای به شخصیت و عملکرد خویش تلقی می‌کنند. انتقاد و بیان نقایص که گاه در قالب نمایش شرایط آرمانی صورت می‌گرفت، بدون استفاده از شخصیت‌های غیرانسانی، نمی‌توانست برای پادشاه قابل تحمل باشد. در واقع داستان‌هایی که شخصیت اصلی آن‌ها حیوانات بودند، مجاللی برای انتقاد و عبرت‌آموزی سیاسی فراهم می‌کردند؛ مسئله‌ای که برای اطرافیان شاه گفتگو در مورد آن به‌جز با این شیوه محال به نظر می‌رسید. مشاوران پادشاه با این شیوه، هم خود را از مظان جسارت به ساحت پادشاه می‌رهانند و هم تلخی و ملال‌آور بودن انتقاد بی‌پرده را از بین می‌برند. پادشاه نیز در کنار سرگرم شدن و لذت بردن از شنیدن داستان‌های عجیب، به آگاهی‌ها و دانش مطلوب سیاسی دست می‌یافت و از نقایص سیاست‌گذاری خود مطلع می‌شد. به این موارد می‌توان حمایت مالی حکومت

از آثار مفرح و سرگرم‌کننده را نیز افزود.

۲-۵. ایجاد اعجاب و غرابت

جامی در ابتدای روضه هشتم بهارستان که به داستان‌های تمثیلی اختصاص دارد، می‌نویسد: «در حکایتی چند از زبان احوال بی‌زبانان که خردمندان و نکته‌دانان امثال آن وضع کرده‌اند تا به جهت غرابت و ندرت، طبیعت بر آن اقبال نماید و بر وی ابواب فهم و مصالح بگشاید.

آن ندیدی که خرده‌دان به شکر داروی تلخ را کند شیرین
تا به آن حیل از تن رنجور ببرد رنج و محنت دیرین»
(جامی، ۱۳۷۱: ۱۱۱)

آنچه جامی از آن به «غرابت» یاد می‌کند، امروزه با اصطلاح «آشنازدایی» (defamiliarization) شناخته می‌شود. آشنازدایی نظریه‌ای در باب منشأ التذاذ هنری و تجربه زیباشناختی است که امروزه با آراء فرمالیست‌های روسی شناخته می‌شود. در این دیدگاه، کار اصلی هنر ایجاد تغییر شکل در واقعیت است. به عبارت دیگر، هدف هنر و به‌خصوص زبان ادبی این است که عادات ادراکی و احساسی ما را با استفاده از اشکال غریب و غیرعادی بر هم زند. در این فرایند بسیاری از مسائل که در اثر کثرت استعمال عادی شده و فاقد تأثیرگذاری لازم هستند، با آشنازدایی دوباره، جالب توجه و منشأ التذاذ خواهند بود. هنر عادت‌ها را دگرگون می‌سازد و آشناها را بیگانه می‌سازد و به آن‌ها قدرت تأثیر می‌بخشد. آشنازدایی مقوله وسیعی است و هم جنبه معنوی دارد و هم لفظی، اما عمده کاربرد آن زبانی است (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۷۳-۱۷۷).

در ادبیات، روش‌های متنوعی برای آشنازدایی وجود دارد: مجاز، استعاره، کنایه، صناعات ادبی، تغییر در رابطه افقی کلمات، ارائه تصاویر تازه، ایجاد موسیقی، دستکاری‌های دستوری و البته آنچه به بحث ما مرتبط است: در نظر گرفتن افعال انسانی

برای حیوانات و موجودات خیالی. اینکه حیوانات همچون انسان‌ها دارای عقل و ادراک باشند و مناسباتی همچون عالم انسانی داشته باشند، از دیرباز برای بشر جالب توجه و عجیب بوده است. بشر از ابتدای خلقت خود در خصوص حیوانات، به‌عنوان شبیه‌ترین جانداران عالم هستی به خویش، دارای حس کنجکاوی و علاقه بوده و تمایل داشته مناسبات حاکم بر زندگی آن‌ها را کشف کند. از طرفی سر زدن افعال انسانی از حیوانات و بازنمایی این افعال در گفتمانی جدید و بی‌سابقه، به‌دلیل فاصله گرفتن از موضوعات، قدرت درکی تازه و عمیق‌تر را در اختیار مخاطب می‌نهد. داستان‌پردازان با استفاده از همین موضوع و به‌دلیل ایجاد غرابت و تازگی برای بیان تجارب بشری، آن‌ها را در لفافه داستان‌های حیوانات به نمایش گذارده‌اند. ایجاد اعجاب و شگفتی در مخاطب، باعث تأثیرگذاری بیشتر داستان بوده است: «آن جادوی‌ها که بیدپای برهنه کرده است در فراهم آوردن این مجموع و تلفیقات نغز عجیب و وضع‌های نادرِ غریب که او را اتفاق افتاده است، از آن ظاهرتر است که هیچ تکلف را در ترکیب آن مجال وضعی تواند بود» (منشی، ۱۳۸۸: ۲۴). علاوه بر این، ایجاد قالب تازه و اعجاب‌آور قدرت ماندگاری و حفظ مطالب را در حافظه افراد افزایش می‌دهد.

۳-۵. ترس

دربار پادشاه در متون ادبی، از دیرباز همچون مکانی مخوف و پرمخاطره به تصویر کشیده شده است. در کلیله و دمنه آمده است: «در قعر دریا با بند غوطه خوردن و در مستی، لبِ مارِ دم‌بریده مکیدن خطر است و از آن هایل‌تر و مخوف‌تر خدمت و قربت سلاطین» (همان: ۱۰۳). در پنچانتترا شاه به مار تشبیه شده است و نیز به کوهی که در آن مردمان بدبین و جانوران درنده وجود دارند و ناگهان حمله می‌کنند (ایندوشیکهر، ۱۳۸۵: ۳۹). همچنین در این کتاب گفته شده: «آنان که در خدمت شاه‌اند، مال و جانشان در اختیار دیگران است. روحشان همواره آشفته است و به زندگی خویش نیز اعتماد ندارند» (همان: ۶۴).

این مسئله ریشه‌های عمیقی در تاریخ اجتماعی بشر و چگونگی شکل‌گیری فرهنگ استبدادی دارد. با این حال مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان در سرشت پدیدۀ قدرت که به طرز اجتناب‌ناپذیری ملازم سرکشی و منازعه است، بازجست. با این وصف، می‌توان دریافت که ترس از قدرت سیاسی حاکم، یکی از مهم‌ترین دلایل روی آوردن به راه‌های غیرمستقیم بیان، همچون داستان تمثیلی بوده است. نویسندگان از به تصویر کشیدن داستان‌هایی که به شکل عریان واقعیت‌های تلخ سیاسی را بیان می‌کردند، واهمه داشته‌اند و الزامات بسیار سخت‌گیرانه گفتار و رفتار در مقابل پادشاه، آنان را در اوضاع سانسور و خفقان قرار می‌داده است. در این باره اشاره‌ای به واقعیت الزامات سخن گفتن در دربار پادشاه، خالی از لطف نخواهد بود:

سخن گفتن با شاه مستلزم آدابی خاص بوده است... از جمله باید از هرگونه سخنی که حتی یکی از تفاسیر آن جنبه اسائه ادب داشته باشد، پرهیز می‌کردند و در این زمینه حتی در ایهام هم دقت داشتند. شمس قیس در انتقاد از شعری از ازرقی که در مقطع گفته بود:

مباد گوش تو بی بانگ رود سال‌به‌سال مباد دست تو بی جام باده ماه به ماه
می‌نویسد: در این دعا دو عیب است: یکی معنوی، یکی لفظی. اما معنوی: آن است که گفته است همیشه در بطالت باش... و عیب لفظی: آن است که گفته است مباد گوش تو و مباد دست تو! و این جنس سخت ناپسندیده است و باید که شاعر مُجید و کاتب فاضل نظم و نثر خویش را از الفاظ ذوات و جهین که چون آن را از قرینه جدا کنی قبیح باشد، پاک دارد (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۱۱ و ۱۱۲).

شمس قیس در ادامه این مطلب به نقل خاطره‌ای درباره خود می‌پردازد که نشانگر آداب و لوازم خدمت دربار است:

و مرا در خدمت پادشاه سعید اتابک سعد... وقتی از این نوع نادره‌ای افتاد که با

جماعت حُجاب و امرا در خدمتش نشسته بودیم و از هر جنس سخن می‌رفت. من بر حالی که دیگری می‌گفت، از سر بی‌خویشتنی گفتم: «تا دشمن خداوند اتابک کور شود!» [ایهام دوگانه‌خوانی دارد] اتابک، خدای غریق رحمت گرداناد، تیز در من نگریست و تبسمی بکرد. من از آن نظر او متنبه شدم و چنان از دست درافتادم که از خجالت خواستم که به زمین فروشدمی و تا یک ماه شرم می‌داشتم که نیک به روی مبارک او نگاه کنم. مگر او رحمة الله علیه رحمةً واسعةً اثر آن خجالت در بشره من مشاهده می‌فرمود. بعد از چند روز تشریفی خوب و استری نیکو و مَهْری زر فرستاد تا به لطایف سخن و لواطف غریب‌نوازی مرا در کار آورد و خدشه آن تشویر که به روی دل من مانده بود، مندمل گردانید (همان: ۱۱۲).

در این شرایط، واضح است که ساختن داستان‌هایی با شخصیت انسانی که نقش پادشاه و وزیر و سایر رجال حکومتی را به عهده داشته باشند، چقدر دشوار و خطرناک (و دور از واقعیت نیست اگر بگوییم غیرممکن) بوده است.

۴-۵. تقویت قدرت تفکر و خلاقیت

چنان‌که گفته شد، یکی از رایج‌ترین مضامین مطرح در داستان‌های تمثیلی، برتری قدرت فکر و اندیشه بر نیروهای مادی بود. شگردهای بسیار متنوعی درباره این مسئله در داستان‌های تمثیلی به نمایش گذارده شده است و خواننده این‌گونه داستان‌ها هم تحت تأثیر این شگردها و هم قالب خلاقانه داستان، به‌طور ناخودآگاه درمی‌یابد که در برخورد با دشواری‌ها، بهترین راه‌حل در به کارگیری قدرت تفکر نهفته است.

۵-۵. پرورش شاهزادگان

ویژگی غالب داستان‌های حیوانات سادگی و کوتاهی آن‌هاست. این دو ویژگی باعث شده تا از زمان‌های دور، یکی از اصلی‌ترین مخاطبان این‌گونه داستان‌ها کودکان و نوجوانان باشند؛ چنان‌که در ابتدای پنجاهتتر/ آمده است که ویشنوشرما این داستان‌ها را

برای آموزش شاهزادگان نوشت، یا در ابتدای کلیله و دمنه آمده: «احداث متعلمان بظن علم و موعظت» به حفظ این داستان‌ها می‌پردازند و در کهولت به گنجینه‌های آن دست می‌یابند. گفته می‌شود وقتی معلم الواثق بالله (فرزند مأمون) از مأمون پرسید که به فرزندش چه بیاموزد، خلیفه پاسخ داد: «به او کلام خدای تعالی را بیاموز و او را وادار تا عهد/ردشیر بخواند و کتاب کلیله و دمنه از بر کند» (احسان عباس، ۱۳۴۸: ۴۹). مخاطب اصلی داستان‌های سیاسی تمثیلی در گذشته، غالباً از طبقه اشراف و بزرگان بودند؛ چراکه افراد عادی در بسیاری از موارد، سواد خواندن یا دسترسی به این کتاب‌ها را نداشته‌اند و لذا نویسندگان این کتب به اهمیت تأثیر آن در آینده سیاسی کشور آگاه بوده‌اند. بنابراین ارتقای فرهنگ سیاسی حاکم و اصلاح آن تا حد زیادی به محتوای این گونه متون وابسته بوده است.

۶۵. جدایی موقت از جامعه و فرهنگ زیسته

آشوب زندگی پرجنجال سیاستمداران که با جدال و کشمکش دائمی همراه بود، تفریحاتی همچون شنیدن داستان را به امری ضروری مبدل می‌کرد. جدا شدن موقت از اضطراب‌ها و تنش‌های موجود در زندگی واقعی که در قالب داستانی و به‌ویژه تمثیل‌های حیوانی فراهم می‌آمد، برای سیاست‌گذاران فرصتی مغتنم بود. آن‌گونه که در کتاب‌های تاریخی آمده است، بسیاری از شاهان ندیمانی داشتند که وظیفه آن‌ها داستان‌گویی برای پادشاه بوده است. در *الفهرست* آمده است: «نخستین کسی که افسانه‌ها سرود و از آن کتاب ساخت و در خزینه نهاد، فرس نخستین بود که برخی افسانه‌ها را از زبان جانوران بازگفت. از آن پس پادشاهان اشکانی، که سومین طبقه از پادشاهان فرس هستند، در این کار غرقه شدند [آن را به صورت اغراق‌آمیز درآوردند] سپس این امر در دوران پادشاهان ساسانی افزایش یافت و دامنه آن وسعت گرفت و قوم عرب آن افسانه‌ها را به زبان عرب نقل کرد...» (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۵۳۹).

در زمان اشکانیان، نوع خاصی از داستان‌گویی به‌همراه موسیقی رواج داشته است. داستان‌گویان که «گوسان» نام داشتند، داستان‌های منظوم قهرمانی را با آهنگ و همراه نغمه ساز خویش می‌خوانده‌اند. همچنین در *مجملة التوارىخ و القصص*، از فردی که «سمرگو»ی خسروپرویز بوده، نام برده شده است (سرشار، ۱۳۸۶: ۱۲۵). در ادب فارسی، کتاب‌های داستانی متعددی قابل ذکر است که آشکارا برای سرگرمی و تحت تأثیر قرار گرفتن پادشاه نگاشته شده‌اند (در این باره نک: همان: ۱۲۴-۱۲۹).

۶. تعالیم سیاسی رایج در داستان‌های تمثیلی کهن

در عصر ماقبل مدرن، فضای سیاست به مؤلفه‌های محدودی منتهی می‌شد. بسیاری از نهادها و مؤلفه‌های سیاسی دنیای مدرن همچون مشارکت سیاسی، حقوق شهروندی، نظارت بر نهادهای حکومتی، تحزب، دموکراسی، حریم خصوصی و...، اساساً در این دوران مطرح نیست. چارچوب سیاسی حاکم بر این فضا فاقد پیچیدگی‌های خاص عالم سیاست کنونی است و لذا مفاهیم مطرح‌شده در ادبیات تمثیلی نیز دایره گسترده‌ای را شامل نمی‌شود. نه نهادها آن‌قدر متنوع و متکثرند و نه الزامات و نیازهای اجتماعی پیچیدگی خاصی را برمی‌تابند. بنابراین، تمثیل‌های سیاسی جهان قدیم، فارغ از الزامات فرهنگی و تاریخی ملل مختلف، به‌لحاظ مضمون، با هم قرابت و شباهت فوق‌العاده‌ای دارند. نویسندگان و فعالان سیاسی در دوره‌های گذشته، از قالب تمثیل در جهت استیلای عقلانیت و تدبیر در سیاست‌گذاری‌های کلان حکومتی بهره می‌گرفته‌اند. بررسی متون کتاب‌هایی چون *کلویه و دمنه* و *مرزبان‌نامه*، آشکارا نشانگر آن است که نویسندگان از پرداخت تمثیل‌ها به‌ویژه ارتقای سطح دانش و تعقل، پادشاه را در صدر مقاصد خود داشته‌اند؛ به‌طوری که پیام نهانی بسیاری از داستان‌های *کلویه و دمنه*، آموزش سیاسی و فکری رأس هرم قدرت، در لفافه محافظه‌کاری و بیان غیرمستقیم است. برخی از

رایج‌ترین مضامین سیاسی مطرح در داستان‌های تمثیلی مورد بررسی در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱-۶. توضیح ماهیت، الزامات و تبعات دوستی و دشمنی

یکی از پرکاربردترین مفاهیم سیاسی دوره باستان، آموزش عقلانی دوستی و دشمنی است؛ به طوری که از گذشته‌های دور، رسالات متعددی درباره این موضوع با جهت‌گیری سیاسی نگاشته شده است (نک: حسینی، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۸). بررسی دقیق مقوله دوستی و دشمنی و آموزش ظرایف آن به پادشاه در قالب داستانی نیز، اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است؛ چنان‌که کتابی همچون *کلیله و دمنه*، اصولاً با همین هدف تدوین شده است (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۸۵-۱۹۵). اهمیت مفهوم دوستی و دشمنی در دنیای سیاست تا بدان جاست که برخی از اندیشمندان سیاسی موضوع اصلی علم سیاست را دوستی و دشمنی می‌دانند (اشمیت، ۱۳۹۳: ۲۳). در دوره‌های اخیر، برخی از متفکران پست‌مدرن همچون دریدا مجدداً مقوله دوستی را به کانون مطالعات سیاسی بازگردانده‌اند. (در این زمینه نک: دریدا با عنوان *سیاست دوستی*: ۱۹۹۷)

از نمونه داستان‌های تمثیلی که با هدف آموزش الزامات و تبعات دوستی و دشمنی در ادبیات فارسی به نگارش درآمده‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: باب «دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» (با موضوع نمایش دوستی دوستان یکدل و برخورداری از ثمرات دوستی واقعی) (منشی، ۱۳۸۸: ۱۵۷)؛ باب «گره و موش» در *کلیله و دمنه* (با موضوع دوستی با دشمن به خاطر مصلحت و ضرورت) (همان: ۲۶۷)؛ داستان «موش با گربه» در *مرزبان‌نامه* (با موضوع زیان دوستی با دشمن) (وراوینی، ۱۳۶۶: ۳۷۵)؛ داستان «موش و گربه» در *هزارویکشب* (با موضوع خطر اعتماد به دشمن) (تسوجی، ۱۳۸۹: ۳۰۸)؛ باب «شیر و گاو» در *کلیله و دمنه* (با موضوع دوستی که به دشمنی تبدیل می‌شود) (منشی، ۱۳۸۸: ۵۹).

۲-۶. بازنمایی برتری قدرت تفکر و ترفند بر قدرت‌های مادی

حجم انبوهی از داستان‌های موجود در دنیا با هدف به تصویر کشیدن اهمیت تفکر و نیروی خرد به وجود آمده‌اند. هدف اصلی این‌گونه داستان‌ها پرورش قدرت حل مسئله و آموزش شیوه تفکر عقلانی است. در دنیای قدیم به دلیل فقدان رسانه‌های ارتباطی و اندک بودن منابع شناخت، قسمت عمده‌ای از تجارب بشری در قالب داستان ارائه می‌شد. طبیعتاً به دلیل اهمیت خاص موضوع، داستان‌هایی که با اهداف سیاسی به نگارش درمی‌آمدند، جایگاه بسیار ویژه‌ای می‌یافتند. این مسئله برخی از کتب داستانی همچون *کلیله و دمنه* را به حدی مهم و خطرناک جلوه می‌داد که به قول *ملک‌الشعرا* بهار: «اگر کسی از عامه یا حتی سرداران آن را می‌خواند، احتمال می‌دادند که از جانب او خطری متوجه دولت شود؛ چنان‌که به شاهنشاه خبر دادند که بهرام چوبینه، سرکرده سرکش و یاغی در هنگام تنهایی، *کلیله و دمنه* می‌خواند، شاهنشاه فرمود: اینک دیگر خطرناک شده است» (انزایی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۹). گفتنی است که *کلیله و دمنه* در هند، ایران و بعدها در زمان مأمون در خزانه نگهداری می‌شد. مأمون خلاصه‌ای از آن را در دوازده صفحه تهیه کرده بود که شامل وظایف پادشاهی و معرفت قواعد حکومت بود (مینوی، ۱۳۳۶: ۳۳۷-۳۴۵). این مسئله خود حاکی از آن است که ارزش سیاسی داستان‌هایی از این قبیل، از دیرباز برای پادشاهان روشن بوده است.

از نمونه داستان‌های تمثیلی که با هدف آموزش به‌کارگیری قدرت تفکر و ترفند به نگارش درآمده‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: *شگال خرسوار* (وراوینی، ۱۳۶۶: ۸۱)، *موش و مار* (همان: ۲۳۴)، *گرگ خنیاگردوست و شبان* (همان: ۶۸)، *باب بوف و زاغ* (منشی، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

۳-۶. آموزش اهمیت مشورت و پندپذیری

یکی دیگر از آموزه‌های رایج در داستان‌های تمثیلی سیاسی، اهمیت مشورت‌خواهی و

پندپذیری پادشاه از مشاوران شایسته است. اهمیت و نقش مشورت در مسائل مختلف، به‌ویژه مسائل مهم و پیچیده سیاسی که افراد به‌تنهایی از شناخت همه زوایای مسئله ناتوان‌اند، بی‌نیاز از توضیح است. در داستان‌های تمثیلی، مکرراً با پادشاهانی مواجه می‌شویم که برای یافتن راه‌حل یک مشکل، در جمع مشاوران نشست‌اند و نظر تک‌تک آن‌ها را به‌دقت مورد بررسی قرار می‌دهند. تشکیل این «اتاق‌های فکر» توسط خود پادشاه صورت می‌گیرد، اما معمولاً او نظر و راه‌حل خاصی ندارد و این مشاوران هستند که خط‌مشی و تصمیم‌های لازم را به او القا می‌کنند. اهمیت یافتن مشورت می‌تواند حاکمان جامعه را از استبداد و خودرأیی برهاند و امکان دخالت صاحبان اندیشه را در اداره جامعه فراهم سازد. شایان ذکر است که در فرهنگ اسلامی، مشورت‌خواهی حاکمان، از جمله وظایف سیاسی آن‌ها محسوب می‌شود.

تأکید بر مشورت با یاران و نزدیکان، آن‌چنان در کلیله و دمنه پرتکرار است که اگر این کتاب را کتاب مشاوره و همفکری بخوانیم، اغراق‌آمیز نخواهد بود. در این میان علاوه بر شخصیت‌های عادی، مشورت پادشاه با وزیران خود نیز در چند داستان به تصویر کشیده شده است: هم‌فکری و مشورت ملک زاغان با لشکر و پنج وزیرش، ملک خرگوشان با رعایای خود، ملک بومان با وزیرانش، پادشاه هند و وزیر و همسرش، شاه موشان و وزیرانش و از همه مهم‌تر، هم‌فکری رای و برهمن که کل ساختار داستان‌های کلیله و دمنه بر اساس آن بنا شده است. می‌توان گفت آموزش مشورت پادشاه با دوستان و اطرافیان، یکی از اهداف اساسی نگارش این کتاب بوده است (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۱۰).

در کلیله و دمنه به‌طور مکرر، با وزرایی مواجهیم که نقایص و اشتباهات پادشاه را با هوشمندی و درایت خود جبران می‌کنند. تکرار این مسئله به‌گونه‌ای است که گویی گردآورنده کتاب به‌عمد، به مسئله اهمیت یافتن نهاد وزارت توجه داشته است. همچنین ترجمه این کتاب را در اوایل دوره عباسیان می‌توان در اهمیت یافتن نهاد وزارت و تثبیت

آن، به‌طور عمده‌ای مؤثر دانست. (شایان ذکر است که وزارت به‌عنوان یک نهاد رسمی با اختیارات و وظایف خاص در دورهٔ خلافت عباسیان مطرح شد و تا قبل از آن مقامی بدین اسم در دربار خلفا وجود نداشت).

۴-۶. نمایش عواقب ظلم، ناکارآمدی و خودرأیی پادشاه

به‌تصویرکشیدن پادشاهان ناکارآمد و ظالم، از دیگر مضامین پرتکرار در داستان‌های تمثیلی ایران است. منطق ظالمانهٔ حکومت‌های استبدادی و تفوق منافع فردی پادشاه بر مردم، در این داستان‌ها در قالب تعاملات جانوران به‌تصویر کشیده می‌شود. در این حالت، تمثیل امکان مطرح شدن شدیدترین انتقادات و به چالش کشیدن وضعیت موجود را فراهم می‌سازد. باب «شیر و گاو»، باب «شیر و شغال» و باب «بوف و زاغ» در کلیله و دمنه مثال‌هایی از این داستان‌ها به‌شمار می‌روند.

جالب آنکه در دو داستان از داستان‌های *مرزبان‌نامه*، ظلم مجوزی برای مبارزه با پادشاه و از بین بردن حکومت دانسته شده است: داستان نخست که صرفاً در *روضهٔ العقول* آمده و در ترجمهٔ وراوینی موجود نیست، حکایت «گراز و روباهان» است که دربارهٔ گراز است که در بیشه‌ای سلطنت دارد و دو روباه در خدمتش هستند و خرسی آبستن از ترس سواران به سرزمین او پناه می‌آورد. در قسمتی از این داستان، خرس برای تصرف سلطنت، به ستمکاری گراز استناد می‌کند: «ما در سلطنت تو راضی نیستیم، از آنکه می‌اندیشیم که ثمرهٔ ظلم و نتیجهٔ عدوان تو به ما سرایت کند» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۴۸). داستان دوم که در هر دو ترجمه موجود است، باب «شاه شیران با شاه پیلان» است که در آن پیل که وصف زیبایی و آبادانی سرزمین شیر را شنیده است، قصد حمله و تصرف آن ناحیه را دارد. در این داستان از زبان «زنج» که وزیر پیل است، این‌طور آمده است: «چون پادشاه که مؤید بود به تأیید آسمانی و منظور اقبال فلکی، در مجاورت خود، پادشاه جایر و کامرانی ظالم بیند، بر وی واجب است و در ذمت او لازم که او را از آن جور مانع شود و از آن ضرر دافع گردد» (همان: ۳۹۷).

۷. نتیجه‌گیری

نویسندگان و فعالان سیاسی در دوره‌های گذشته، از قالب داستان تمثیلی در جهت استیلای عقلانیت و تدبیر در سیاست‌گذاری‌های کلان حکومتی بهره می‌گرفته‌اند. بررسی متون کتاب‌هایی چون *کلیده و دمنه* و *مرزبان‌نامه*، آشکارا نشانگر آن است که نویسندگان از پرداخت تمثیل‌ها به‌ویژه ارتقای سطح دانش و تعقل پادشاه را در صدر مقاصد خود داشته‌اند؛ به طوری که پیام نهانی بسیاری از داستان‌های *کلیده و دمنه*، آموزش سیاسی و فکری رأس هرم قدرت، در لفافهٔ محافظه‌کاری و بیان غیرمستقیم است. تأکید بر اهمیت مشورت و پندپذیری پادشاه و نیز بررسی دقیق مقولهٔ دوستی و دشمنی و آموزش ظرایف آن به پادشاه، از جمله مهم‌ترین آموزه‌هایی است که در *کلیده و دمنه* مطرح شده است. همچنین تحمل آزادی بیان و انتقادپذیری، مقولهٔ اصلی مورد آموزش در *مرزبان‌نامه* به شمار می‌رود. در مجموع، برخی از رایج‌ترین مضامین سیاسی مطرح در داستان‌های تمثیلی مورد بررسی در این پژوهش عبارت‌اند از: توضیح ماهیت، الزامات و تبعات دوستی و دشمنی، آموزش برتری قدرت تفکر و ترفند بر قدرت‌های مادی، بازنمایی اهمیت مشورت و پندپذیری، پرورش شاهزادگان و در نهایت نمایش عواقب ظلم، ناکارآمدی و خودرأیی پادشاه.

دلایل استفاده از تمثیل برای آموزش مطالب سیاسی، مبحث بعدی مورد بررسی در این مقاله است. در این قسمت توضیح داده شده که نویسندگان داستان‌های تمثیلی با چه دلایل و انگیزه‌هایی به مخفی کردن مقاصد نوشتاری خود در حوادث و ماجراهای تخیلی کرده‌اند. ترس، از بین بردن تلخی انتقاد و ملال‌آور بودن آموزش‌های مستقیم، ایجاد اعجاب و قرابت، تقویت قدرت تفکر و خلاقیت و در نهایت جدایی موقت از جامعه و فرهنگ زیسته، از جمله دلایل استفاده از داستان تمثیلی در جهت آموزش مسائل مهم سیاسی است.

منابع

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱)، **الفهرست**، محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
۲. احسان، عباس (۱۳۴۸)، **عهد اردشیر**، محمدعلی امام شوشتری، تهران: چاپخانه بهمن.
۳. ازوپ (۱۳۷۳)، **افسانه ازوپ**، ترجمه و تحشیه علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر.
۴. اشمیت، کارل (۱۳۹۳)، **مفهوم امر سیاسی**، یاشار جیرانی و رسول نمازی، تهران: فرزانه.
۵. انزابی نژاد، رضا (۱۳۸۰)، **کلیله و دمنه**، چ ۵، تهران: جامی.
۶. ایندوشیکهر (۱۳۸۵)، **پنج‌تترا**، تهران: دانشگاه تهران.
۷. تسوجی، عبدالطیف (۱۳۸۹)، **الف لیله و لیله**، تهران: پارسه.
۸. پورنامداریان (۱۳۶۴)، **رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی**، تهران: علمی فرهنگی.
۹. جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۱)، **بهارستان**، تصحیح اسماعیل حاکمی، چ ۲، تهران: اطلاعات.
۱۰. حسینی، مالک (۱۳۹۱)، **دوستی چند رویکرد به یک مفهوم**، تهران: هرمس.
۱۱. حسینی، سیده معصومه (۱۳۹۴)، **سیاست در داستان‌های تمثیلی ایران با بررسی تفصیلی تر کلیله و دمنه**، پایان‌نامه دکتری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. حکمت، علی اصغر (۱۳۶۱)، **امثال قرآن**، چ ۲، تهران: بنیاد قرآن.
۱۳. حمیدی، محسن، «فرهنگ سیاسی به روایت کلیله و دمنه»، **مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۲۳۷-۲۳۸، ۹۴-۱۲۱.
۱۴. دهقانیان، جواد (۱۳۹۰)، «بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه».

- نشریه متن‌شناسی ادب فارسی، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۹، ۹۱-۱۰۴.
۱۵. سرشار رهگذر، محمدرضا (۱۳۸۶)، «پیشینه، نقش و اهمیت داستان در زندگی»، ادبیات داستانی، شماره ۱۱۳، ۱۲۴-۱۲۹.
۱۶. سنگگی، سمیه (۱۳۹۱)، «تعلیم الگوی حکومت در کلیله و دمنه و گلستان سعدی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱۹۷-۲۳۶.
۱۷. شامیان، اکبر (۱۳۸۴)، «سرچشمه‌های تکوین و توسعه انواع تمثیل»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره مسلسل ۱۹۷، ۷۵-۱۰۷.
۱۸. شریف‌پور، عنایت‌الله، و محتشم محمدی (۱۳۸۷)، «اندیشه سیاسی در کتاب کلیله و دمنه»، نثرپژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)، شماره ۲۴ (پیاپی ۲۱)، ۵۳-۶۹.
۱۹. شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، نقد ادبی، تهران: میترا.
۲۰. عزتی‌پور، احمد (۱۳۷۸)، «سیاست در مرزبان‌نامه»، کیهان اندیشه، شماره ۸۳، ۱۷۰-۱۸۷.
۲۱. غازی ملطیوی، محمد (۱۳۸۳)، روضة العقول (تحریر دیگر مرزبان‌نامه)، تصحیح و توضیح جلیل نظری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۲. قزوینی، میرغیاث‌الدین علی (۱۳۸۰)، مهابهارت، محمدرضا جلالی نائینی و ن.س. شوکلا، تهران: طهوری.
۲۳. ملطیوی، محمد بن غازی (۱۳۸۳)، روضة العقول، تصحیح جلیل نظری، تهران: دانشگاه آزاد.
۲۴. منشی، نصرالله (۱۳۸۸)، کلیله و دمنه، ترجمه مجتبی مینوی، تهران: ثالث.
۲۵. مینوی، مجتبی (۱۳۳۶)، «کتابی از مأمون خلیفه»، مجله یغما، سال دهم، شماره ۸، پیاپی ۱۱۲، ۳۳۷-۳۴۵.

۲۶. وراوینی، سعدالدین (۱۳۶۷)، **مرزبان‌نامه**، ترجمه محمد روشن، تهران: نشر نو.

۲۷. _____ (۱۳۶۶)، **مرزبان‌نامه**، خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.

28. Derrida, Jacques (1997), **The Politics of Friendship**, Trans by George Collins, London & New York, Verso.